

بسم الله الرحمن الرحیم

به یادبود قیام حماسه آفرینان ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات باستان

بنازم صبحگاهی را که از طوفان پرشورش
ملک در چرخ نیلوفر ز شادی نغمه ساز آمد

گزید انگشت حیرت را خرد زین موج طوفان زا
سپهر از علو این همت باستفسار راز آمد

ملک سرگرم اخلاص و فلک مصروف پیرایه
به استقبال حق جویان در جنات باز آمد

بروز بیست چار حوت صبح عید قربانی
هزاران کودک مؤمن بقربانگه فراز آمد

چو هاجر کرد چشم نوجوان را مادرش سرمه
بمیدان شهادت هر جوان چون سرو ناز آمد

برآمد نعرهٔ تکبیر یکدم اندر خیابان ها

ز هر سو پرچم اسلام اندر اهتزاز آمد

ز لا اله الا الله و از الله اکبر ها

زمین و آسمان لرزید و کرسی در گداز آمد

یکی در دست او چوب یکی در دست او چاقو

یکی با اره و داس از ره دور و دراز آمد

چو سیل پرخروش آندم ز هر سو پیروان دین

همه با هم برادروار با راز و نیاز آمد

چنان شوریده با دشمن بسنگ و چوب مردانه

که دشمن با همه نیرو فرارش چاره ساز آمد

بر گنبار و مسلسل بست آخر هر مسلمان را

مسلمانیکه با عشق فراوان پیشتاز آمد

ز مسکو بر هلاک این فداکاران جان بر کف

به صدها میک بم افگن بخنبدین تاخت و تاز آمد

در آندم کشت بی پروا هزاران پیر و برنا را

ازاندم تاکنون غارتگری با این طراز آمد

ازین عزم و فداکاری که تا اکنون بود جاری

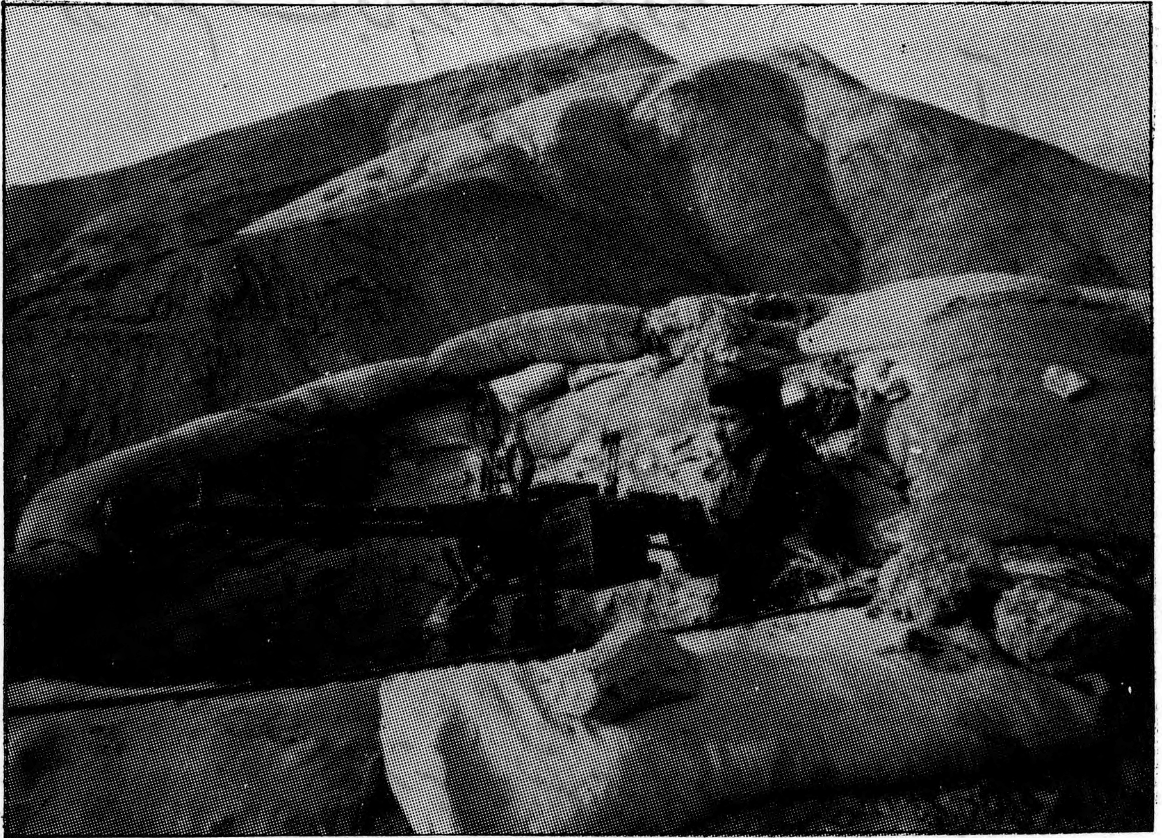
هرات باستان تا روز محشر سرفراز آمد

ببال ای مهد عرفانی که اولاد سلحشورت

بدنیای بشر همواره صاحب امتیاز آمد

«شهید» غرق خون غازی سنگرنشینت را

سپاس و مرحبای خلق عالم دلنواز آمد



یا رحمت عالمین یا سید مرسلین
یا شافع مذنبین یا رهبر غمگسار
از روضه برآر سر بر امت خود نگر
کافتاده چه دربدر بیچاره و بیقرار

امروز که بیت و چار از حوت هرات ما
امروز به هزارها قربان خدا شدند

از بهر نجات دین - با غیرت آهنین
در راه خدای خود یکباره فدا شدند

یا رحمت عالمین یا سید مرسلین
یا شافع مذنبین یا رهبر غمگسار
از روضه برآر سر بر امت خود نگر
کافتاده چه دربدر بیچاره و بیقرار

ای تربت اولیاء بی‌شک که دلاوری
سرمایهٔ افتخار - نزد همه کشوری

سنبول جهاد و رزم در مرکز خاوری
اسلام عزیز را با دبدبه سنگری

یا رحمت عالمین یا سید مرسلین

یا شافع مذنبین یا رهبر غمگسار

از روضه بر آر سر بر امت خود نگر

کافتاده چه دربدر بیچاره و بیقرار

قربان شجاعتت ای نسل خداپرست — ای مردم سر بکف ای ملت چیره دست

باد از خدای پاک تا روز جزا همه — غازی و شهید تو از باده عشق مست

یا رحمت عالمین یا سید مرسلین

یا شافع مذنبین یا رهبر غمگسار

از روضه بر آر سر بر امت خود نگر

کافتاده چه دربدر بیچاره و بیقرار

بسم الله الرحمن الرحیم

(روس های متجاوز در خلال اشغال افغانستان بهر تاکتیک که متوصل شدند بناءً امی انجا میدم) از آغاز روی کار آمدن کودتای اسی دی وکمونستی هفت ثور در افغانستان روس ها طبق برنامه ریزی های قبلی خود از نیرنگ ها و تاکتیک های متعددی کار گرفتند که بیاری خداوند بزرگ و فراست ایمانی و عقیدوی مردم خداپرست و مجاهدین چیره دست افغانستان یکی بعد دیگری خنثی ا و در همهٔ مراحل از برنامه های نیرنگی و تذویری خود جز زبونی و مایوسیت مطلق جزئی ترین استفادهٔ کرده نتوانستند .

نخستین پلانِ که روس ها در آغاز کودتا توسط عروسک های فرمائیشی خود یعنی ترکی و امین روی کار نمودند شدت و حدت زائدالوصف بود که چهرهٔ واقعی گماشته گان و اجیران زرخریدش را روشن و پرده را از روی رژیم مرموز غیر اسلامی و غیر انسانی شان بر داشت

روسها بفکر اینکه با برخورد های بیرحمانه وظالمانه خود بزودترین فرصت یوغ اسارت وبردگی را برگردن های آرزو این گردن فرازان آزاد منش خواهند نمود وبساط اسلام ومسلمین را از کشور اسلامی افغانستان برخواهند چید بدان ملحوظ نخست بکشتار مسلمانان مظلوم بخصوص علماء وروحانیون وروشن فکران مسلمان آستین را بالا زدند وتا جائیکه می خواستند بقتل وآزار مسلمانان ها مبادرت نموده وباشکنجه های طاقت فرسا علماء دینی وروحانیون بیگناه را بجرم اسلامیت ومسلمان بودن بشهادت رسانیدند شبی نبود که عده از مسلمانان مظلوم را از خانه وکاشانه شان بیرون نکشند وبعد از اذیت وآزار که تاریخ بشر نظیر آن را کمتر سراغ خواهد داشت ایشانرا با دیدگان پلاستر شده ودست های دست بند زده ونشانه های کبود رنگ - وپشت وپهلو های پاره پاره وخون آلود بسیه چال های تاریک وگودال های عمیق زندان بگور نکنند ویا سینه های برهنه وچاک چاک شان را به مسلسل نبندند

و وادار و ندار زندگی شان را بنام تلاشی و بازرسی بغارت و چپاول بر نند در سکوت مرگبار شب های تاریک زمزمهٔ وازو و فغان باران فریاد کودکان و یتیمان - نالهٔ جانکاه پدران - در گوشه های مصیبت بار هر ماتم خانه پروانه وار در فراق عزیز از دست دادهٔ خود طپیدن در گشته ولی یارای آن بنوده که این آه و ناله ها از گوشه های تار و محنت بار خانه های به سکوت فرورفته سری بیرون کشد و یا در گوش مرهم گذار و دردستانی طنین اندازد . مساجد و معابد را رقاصه خانه و مدارس را شرابخانه ساختند ، اوراق قرآن عظیم الشأن را در وسط هر محراب آتش زده و یکدیگر را به تماشا ، این فجائع دعوت می کردند تعلیم قرآن و تدریس علوم مذهبی و دینی را در تمام مساجد و مدارس ممنوع و درعوض لسان روسی و موسیقی را جاگزین آن ساختند و هزاران کودک و طفل معصوم سلم پیش چشم مادر سر بریده و جسدش را به سر نیزه ها خنده کنان قطعه قطعه

بسم الله الرحمن الرحیم

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۝ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ط

قرآن کریم سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۴۵

ترجمه : وبسا از پیغمبر که قتال کردند با کفار همراه او خداپرستان بسیار پس سستی نکردند بسبب مصیبت که در راه خدا بایشان رسید و ضعیف نگشتند و فروتنی و سازش نکردند و خدا دوست دارد صبر کنندگان را ۔ ونبود سخن ایشان مگر اینکه گفتند پروردگار ما بیامرز برما گناهان ما را و از حد گذشتن در کار ما و استوار دار قدم های ما را ونصرت ده ما را بر قوم کافران پس داد ایشان را خدا ثواب دنیا و نیکو ثواب در آخرت و خدا دوست میدارد نیکوکاران را .

می کردند و مادر با دیدهٔ باز به این صحنه می نگریست و در غیاب شان
پاره های گوشت جگر گوشه اش را بزیر خاک پنهان می کرد . این
کشتار ظالمانه و بیرحمانه و برخوردهای غیرانسانی روس های جنایتکار
که مستقیماً توسط خود آنها یا عمال مزدور و خود فروختهٔ شان
ترکی و امینی ها صورت میگرفت روی چنگیزیان تاریخ را سفید و
اخدود و یاران فجار را که قرآن کریم گواه جنایات و ستمگاری شان است
بحیرت و سر در گمی فرو برد و این بیداد و خونخواری روز بروز
اوج می گرفت تا باشد که از هراس این برخوردهای وحشیانه دهشت
انگیز مسلمانان حق پرست سر اطاعت بر آستانهٔ قدرت و سیطرهٔ
الحاد و بی خدائی گذاشته و مجبور به انقیاد و پیروی از رژیم بیدگو
غیراسلامی گردند و این کشور اسلامی چون بخارا و چکوسلوکیا
وغیره در قطار کشورهای مستعمره و تحت سیطرهٔ کمونست شوروی قرار
گیرد در خلال این جریان وحشت زا کاسهٔ صبر مسلمانان باشهامت

کشور قهرمان خیز لبریز واحساسات ایمانی وارشادات قرآنی و رهنموده‌ائی علمائی حقانی ملت مظلوم وستم کشیده را بحرکت وجنبش سراسری واداشت چنانچه قیام قهرمانانه ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم مسلمان وغیرتمند هرات وشهادت بیش از ۲۵ هزار پیر وجوان بیگناه آن دیار در یک روز وجنبش‌های عمومی سائر ولایات افغانستان و به پا خواستن کافهٔ ملت سلحشور اسلامی بمنظور اعلاء کلمة الله ودفاع از دین وآئین وناموس وطن وادارهٔ بیکار بی امان کرملین را بلرزه آورد وکاخ نشینان مغرور وعاقبت نیندیش آنرا سخت بحیرت وسردرگمی فرو برد روس‌ها که هرگز چنین عواقب را پیش بینی نکرده وگمان نمی بردند که با چنین معضله مواجه خواهند شد با یک جهان حسرت وپشیمانی برنامه را به تعویض مهرهٔ دیگری تغییر داده وببرک را با دستورات تازهٔ استمالتی وعوام فریب بر مسند قدرت پوچ ومیان تهی قرار دادند تا به ببچه های احترام بدین واحترام به علماء وروحانیون وترمیم مساجد

و معابد این و آیت بتو لند سازده لوحی را بغربیانند و آتش خجلت

مسلمانان را خاموش و پاسبانی ایمان کنید که بعضی به امید شوند

بار کرد و در اطراف و جوانب خود بکنند مسلمانان را بخود همکار جمعیت

نیافت تا گرز صدمه از کار مندان حسینیه دولت عالی اسلامیه

و مجالس تربیت داز قبا پوشان و ماتیسی خرج نمودند علما و عامه

یاد آور شده و به کمال بی شرمی سر صدا را بلند ساختند که تعلیم

مدرس و قبول علماء و همه و حاشیه را همکار و همه را استند و بطلیکه

تیغ مسلمانان و تیغ عالم و جمع آن با این ستم کفر و ملحد خدا را نشان

کار و دو اقران نبوده و کافر و ملحد مسلمانان افغانستان را آخرین نیرو

حیات را بکار چیدن بساط کفر و الحاد از سرزمین خود بکار خود

آرام نخواهد نشست و با این دشمنان اسلام و شیطان همیاری و

همکاری ایمان خود را ادا میدارد و مستند است که همکاری

حافظه حدود و در پاره بزرگ کار لاحق تقسیمی کنند علما و ایمان

درچندین سخن رانی خود از همدستی ملت به مجاهدین یاد آور شده
و ملت افغانستان را با مجاهدین مسلمان که به اصطلاح خود بنام اشرار
میگفت همکار و همدست معرفی نموده است چنین ازین برنامه هم کارشان
بجای نرسید ناگزیر با واداران برگ بغکر آن شدند تا از تاکتیک تفرقه و
نفاق افگنی کار گرفته در صفوف فشرده مجاهدین مسلمان رخنه عائد
کرده وسعی ورزند تا تفرقه ومخالفتی را بین مجاهدین ایجاد و با دامن
زدن آتش اختلاف بتوانند گام مثبتی درراه نیل به اهداف شوم
خود بردارند والبته این تاکتیک را بیشتر از همه عوامل به نفع خود
تلقی کرده و بر اثرات آن ارج می گذاشتند زیرا روسها با ضائعات
و تلفات جانی و مالی و شکست های پیاپی سیاسی و نظامی خود
متیقین شده بودند که به هیچ وسیلهٔ بر این ملت قهرمان فائق
آمده نمیتوانند مگر به تفرقه و نفاقی که ایشانرا به جان یکدیگر اندازند
و خود کار خود سازند و در این زمینه بشدت دست اندر کار شدند

جواسیس وگماشته گان خودرا در هرگوشه وکنار پراگنده وتوظیف نمودند

بحمدالله که مجاهدین بیدار وسنگرنشینان آگاه افغانستان در پرتوی

شعاع عقیده وایمان وبینش وآگاهی کامل اتحاد و همبستگی خودرا

حفظ وروز بروز برغم دشمن براتفاق و وحدت خود در داخل سنگرهای

پرافتخار خویش افزودند و باستارگان آسمان فراست وایمان

خودچنان شیاطین وجواسیس انسی وجنی را مرجوم ساختند که بجز

ترین استراق سمع وکشف راز واسرار - وتخریب ونفاق موفق

نشده ودرعوض کامیابی کارشان به شرمساری ورسوائی کشید و

وبه فحوای «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» باکمال یکدلی و

یک جهتی محبت وایثار خلوصیت وحسن نیت پیکار خودرا ادامه داده

وباقلب سرشار از صداقت واخلاص ونیروی عقیدة وایمان در

مقابل دشمن تا به دندان مسلح عاشقانه وقهرمانانه رزمیدند وتا

آخرین رمق حیات درین جهاد وسعادت خود پایه دار وباوحدت

روز افزون استوار خواهند بود چون درین پلان خود هم ناکام و
نتوانستند طوریکه آرزومند آن بودند نتیجهٔ بدست آورند ناگزیر در
صدد آن شدند تا به تقرر یک تعداد افراد غیرحزبی در کرسی های
حساس دولتی ذهنیت عامه را تا جای متمایل وازین راه آتش
خشم ملت بپاخواسته را فرونشانند ولی ازانجائیکه درک و آگاهی
ملت مسلمان افغانستان بالاتر ازان است که به این فریب بازی
های کودکانه و بی شرمانهٔ دشمن وقعی بگذارد درزمینه باین مضمون مکر
حیلهٔ شان را واهی و بی اثر وانمود کرده و گفتند .

برو این دام بر مرغ دیگرنه ❊ که عنقا را بلندست آشیانه

دراین گیرودار بیرک که از فرزندان راستین کمونست وشاگرد
وفادار برژنف بود و دربرآورد انتظار روس ها داو طلبانه قد علم
نمود و با تجارب که در دوران کودتا اندوخته بباور ان خود اطمینان
داد و کرحسب المقتضی صحنه را نورمال و به هرنیرنگ وتندویرکه شود

کافهٔ اقشار ملت را به خود جلب و بر قیام آتشین ملت بپا خواسته
خاتمه میدهد خوشبختانه هر سحر و جادوی که داشت و هر زر و زوری که
بکار برد جزئی ترین موفقیت بدست آورده نتوانستند در عوض
روز بروز اعتماد روسها را نسبت به خود در تزلزل یافت تا آنکه
روسها خدمات و جانفشانی های اورا بی ارزش تلقی کرده خواستند
اورا به سرنوشت ننگین رفقایش ترکی و امین آشنا سازند ولی
مصلحتاً نابودکردنش را بزمان معینی موکول و در عوض نجیب جاسوس
را بر اریکهٔ قدرت نشاندند و رهبریت قاطع حزب را بوی مفوض
داشتند نجیب که پروردهٔ دامان - کی جی بی و از سر سپرده ترین
فرزندان لنین و آزموده شدهٔ میدان عمل بود با پیکر هزار چهره و
و دهان هزار زبان بر کرسی حق الارثی پدران بجهنم رفتهٔ خود-
نشسته آغاز بکار نمود لحظهٔ برنگی و زمانی به چهرهٔ داخل صحنهٔ
عمل شده و بدست یاری اندوخته های چندین سالهٔ خود چرخ سرو صدا

را فعال، زمانی از اسلام صحبت باز کرده و زمانی همچون زنان چادر بسر نسنگ ملیت و قومیت را با افتخار ملت شیعه می آورد و با کلمات فریبنده از مردم استمالت و دلجوئی می نماید به امید اینکه ساده لوحی را فریب داده و با این نیرنگ بازی ها جای پای بخود باز نماید غافل از اینکه شعور و آگاهی مردم مسلمان و ملت غیور ما با خور رشته ما بالاتر از آن است که بزرق و تزویر هر شیطان جادوگری فریبه زبانی های هر کمونیست بی خدا و تعلیم یافته گان مکتب الحاد و دعی گذشته آگاهانه یا نا آگاهانه سر سازش فرود آورند عجیب همان طوریکه سالها در کوره کمونیست کرامت انسانی خود را به ذوب داده و شعور و آگاهی لازم را نیز از دست داده است زیرا اگر اندک شعوری میداشت از کندن کلاه ترکی و ادعای روزگار سیاه ببرک پند و تجربه می آموخت و به خود می اندیشید که روزگار ترکی و امین و ببرک چگونه شد و عاقبت کارشان بکجا رسید البته جانشینان آنها بسر نوشت

افلاکت بار تری مواجه خواهند شد او باید بداند که

از این حماقت بازی ها و چرب زبانی ها و استمالت های کودکانه

وخواب و خیال اعدام های مجاهدین وافشا نه سرائی گره و

گشوده نخواهد آمد طوریکه ترکی وراین و بیرک با همه زر و زور

و تذویر هر آنچه از چال و فریب به کار بردند سودی نگرفته

عاقبت در آتش دیگ نا پخته، خود سرنگون افتاده وسوختند

حال همهٔ این ملحدان نیرنگ باز این و عاقبت همگان چنین است

ای بی شعوران از خدا بیخبر — ای نجیب های عاری از نجابت لحظهٔ بخود

آئید و به نعش های ناکام رهبران آتشین کردار خود بنگرید

و عاقبت حال خود را بیندیشید که حال شما عین ماجرا ست

عواملی که در عالم کون قابل تصور بود در راه انقیاد و تسلیم

و سازش این ملت گردن فراز به کار برده شد اگر از

زر و زور و تذویر کار ساخته میشد ترکی ها واینی ها

ودیرکی ها درآن مورد هرگز کوتاهی نکردند ولی این ملت مسلمان و
خداپرست به غیر از اسلام و حاکمیت قرآن به نیروی دیگری
سر انقیاد فرو نمی گذارند تا کشور عزیز خود را از لوث کمونست
پلید پاک نسازند و تا قرآن عظیم الشأن را طرشاید و باید در
سرزمین خود حاکم نگردانند نه به های وهوی روس و نه به
خواب وخیال امریکا مجالی خواهند گذاشت .
شما ای دشمنان اسلام وبشریت همان کمونست ها وطن فروش
بی وجدان نیستید؟ که وطن مارا به بیگانه فروخته وروسهای
متجاوز به همکاری واطمنان شما به حریم عصمت ما تاختند ودر
کشور اسلامی ما بدون حق تجاوز کردند وتمام این ملت
مظلوم را به خاک وخون کشیدند شما همان بی وجدان های
بی عاطفه نیستید؟ که هزاران عالم وروحانی ومحصل - و
روشن فکر مسلمان مارا به اشد انواع اذیت وتعذیب و

خداوند در این آیات متذکره مجاهدین سرکف امت خاتم الانبیاء را تشویق فرموده

و ایشان را به استقامت و پایداری و متانت و شکیبائی رهنمونی و ارشاد فرموده و تنبیه

می سازد که در ازمنه پیشین نیز مسلمانان بمعیت پیمبر زمان با کفار و دشمنان

خدا مقاتله و محاربه کردند و هر قدر که مسلمانان با مصائب و ضائعات و رنج و غیره

اذیت ها مواجه شدند ضعف و سستی از خودنشان نداده و با کمال استقامت

و پایداری جهاد خود را ادامه داده و سر سازش فرو ننهادند و سستی و فتوری بر ایشان

عارض نگشت شما بهترین امت ها و پیمبر شما افضل مرسلین است باید امتحان بهتر

داده و در همه مراحل این آزمون عظیم موفق تر و مطمئن تر باشید و بشما به هیچ وجه

شائسته نیست که در پیش آمد مصائب و تلفات از خود ضعف و سستی نشان دهید

یا با دشمن بسازش و فروتنی نمائید از ینجاست که عاشقان دلباخته خدا و سنگر

نشینان غیرتمند ما با الهام از نیگونه ارشادات در مقابل هر مشکل و مصیبتی

قوی تر و مستحکم تر و با هر پیش آمد ناگواری که مواجه می شوند مقاوم تر و مطمئن تر

شکنجه های طاقت فرسا، شهید نمودید ؟ شما همان بیدینیان لینین پرست نیستید که اوراق قرآن عظیم الشان را آتش زده و مساجد و معابد ما را شرابخانه و رقاصه خانه ساختید ؟ شما دشمنان سرسخت اسلام و قرآن نیستید ؟ که در اثنای شکنجه های وحشیانه می گفتید کجاست خدای شما بگوئید تا بیاید و شما را از شکنجه ها نجات بدهد ؟ شما همان فساد کارهای خانه ویران ساز نیستید ؟ که بدست یاری باداران خونخوار متجاوز خود تمام خانه و کاشانه و شهر و دیار و اماکن مقدس ما را به خاک راه یکسان کردید ؟ شما همان جلادان ستم پیشه نیستید ؟ که از آغاز کودتای الحادی خویش تا امروز هزاران مسلمان بیگناه مظلوم را در زندان خانه های جدید الاحداث کشور به تعذیب و شکنجه های گوناگون کشته و متباقی را بجوی تحت اذیت و آزار وحشیانه قرار داده اید که قابل تصور نیست ؟ در صورتیکه

قبلاً بوضاحت ثابت گردید که شما همان کافران قرآن سوز

دشمنان سرسخت اسلام وبشریت هستید که بدون از

بن بردن اسلام ومسلمین هدفی ندارید ونیز منظور شما سلطه

جوئی وگسترش مسلک کمونستی ولا خدائی است پس امروز

چه باعث شده است که بسر لطف آمده از اسلام صحبت

می کنید ومی گوئید ما بدین اسلام احترام عمیق داریم .

آیا تا هنوز چهره های منحوس شما شناخته نشده ؟ آیا تمام عالم

اسلام از فجائع فراوان شما اطلاع نیافته است ؟ آیا ظلم و

تعدای که بر ملت مسلمان افغانستان روا داشته اید و دو ملیون

مسلمان مظلوم را بدون حق به جرم مسلمان بودن بشهادت

رسانیدید به این نیرنگ بازی ها جبران شدنی است ؟ آیا

ملت قهرمان افغانستان تا انتقام خون دو ملیون شهید

بخون خفته خود را از حلقوم ناپاک فرزندان لینین مردود

وار بیرن نکشند خاموش نخواهند نشست ؟ آیا مظالمی را
که در افغانستان مظلوم مرتکب گردیده اید با پامال شانی آت
آیا ترمیم یکنیمتر دیوار مسجد - و افزائیش حقوق چند نفر
پیش نماز و سرجنبانی دستوری ده نفر روحانی نمای فرمایشی
بر همه فجائع و مفاسد بی شرمانه شما خط بطلان کشیده ملت
غیور و مملکت ستمدیده را بسازش وگرائیش وا خواهد داشت
نجیب نانجیب که امروز بدروازه مرگ نفس های عاریتی
خود را می کشد برعلاوه اینکه او بکلی مسلمان نیست کسی
که بیشتر از همه حریفان و همقطاران خود به ناز و نعمت روس
پرورده شده و در کوره آتشین کی جی بی همه دار و ندار
انسانیت را ذوب و جز یک حیوان ناطق نه اسلامیتی و
نه کرامتی و نه دینی دارد و نه آئینی آیا مسلمانان حقیقت آگاه
و ملت شهید پرور ما فریب و بازی همچو حیوان وحشی بی شعوری

را خواهند خورد درحالیکه ملت مسلمان مادر همه موارد متکی بهدایات

ورهنمود های قرآنی بوده وقرآن عظیم الشان درزمینه جداً دستور

میدهد «لا یتخذِ المؤمنونَ الکافرینَ اولیاء منْ دُونِ المؤمنین»

سورهٔ آل عمران آیهٔ «۲۷» مسلمانان هرگز دشمنان دین و کافران بی

دیانت را به خود دوست نگرفته مسلمان دوست مسلمان است نه کافر

الحاصل چنین روس ها نتیجه گیری کردند ودرک نمودند که نجیب هم مانند

ببرک جز اینکه چند روزی ایشانرا بدم خود بازی دهد دیگر حاصل

درکار او پدیدار نیست واز همهٔ برنامه های مطرح شدهٔ خود خبر مایوس

مطلق نتیجهٔ مثبتی گرفته نتوانستند ناگزیر با کمال بی شرمی راه مذاکره

را بر همه ترجیح داده تا درزد و بند های زیر پرده موضوع حل سیاسی

قضیهٔ افغانستان را از طریق مستقیم به نفع خود خاتمه بدهند و

ازین ناحیه عجالتاً درجهاد مقدس مجاهدین غیرتمند وکار آگاه —

افغانستان وقفه عاید نموده و سنگرهای داغ شانرا به این بهانه

وسر وصدا های بیشرمانه ومقتضی نه که روزی بنام حل سیاسی وروزی بنام آشتی ملی وزمانی بنام آتش بس یکطرفه میخواهند که آتش خشم رزمندگان پرتوان اسلام را سرد وخاموش سازند . منت خدای را که مجاهدین سلحشور افغانستان همه با بینش اسلامی وفراست ایمانی خود دشمن ودوست را بخوبی تشخیص داده وهر نیرنگ و فریب را به آگاهی کامل تحلیل وتجزیه نموده میدانند که پیروزی واقعی وموفقیت همه جانبهٔ شان جز در جهاد مسلحانه بدیگر صورت متصور نیست وازین مذاکره های فریبنده جز متوقف ساختن جهاد گرم مجاهدین دیگر نتیجهٔ که به نفع اسلام ومسلمین باشد پدیدار نیست فلهذا ملت مسلمان ومجاهدین قهرمان افغانستان که هفت سال را به تنهائی خود با دست تهی وشکم گرسنه وپای برهنه با این دشمن اسلام وبشریت دست وپنجه نرم کرده ودر قبال غرش شبا روزی تانک های غول پیکر وطیاره های خانه ویران ساز

چلچله های سرسام آور وحملات موشکی و اشتعال آتش بمبارو مای
های متواتر وحمله های وحشیانه هلیکوپتر های توپ دار و میگ های
غروشان وریزش گاز های شیمیائی وغیره با نیروی عقیده وایمان
وسلاح ناچیز یکه به هیچ عنوان قابل مقایسه به سلاح مدرن دشمن
نبوده با روحیهٔ هر آن قویتر جوانمردانه وقهرمانانه مقاومت نموده
ونگذاشتند که این قدرت قوی هیکل دنیا با همه وسائل وتجهیزات
دست داشته خود نفسی در افغانستان براحت بکشد و یا به جزئی
ترین موفقیت نائل آید - اکنون به هیچ کس اجازه نخواهند
داد تا بدون حضور وموافقه کامل نمایندگان واقعی ملت در تعیین
سرنوشت شان مداخله نماید وخون پاک دوملیون شهید بخون
خفتهٔ این کشور ستمدیده را پامال مذاکرات خود پسندانه وفیصله
های مغرضانه خود بنمایند ملت قهرمان وشهید پرور افغانستان
تا کشور اسلامی خود را از لوث کفر والحاد پاک ومنزه نساخته

وریشهٔ این غدهٔ سرطان کمونیستی را از سرزمین مقدس خود بیک
قلم قلع وقمع نمایند و تا حاکمیت قرآن عظیم الشان را بروجه عام و تمام
درمیان اسلامی خود پیاده نکنند و تا انتقام خون دوملیون
شهید خودرا از متجاوزین جنایت کار نگرفته و پرچم باشکوه اسلام
را برفراز دور و نزدیک به اهتزاز درنیاورند سلاح خود را بر
زمین نگذاشته و لحظهٔ سنگر شکوهمند و پرافتخار خودرا ترک
نخواهند گفت و مستیقین اند که بیاری خداوند بزرگ پیروزی نهائی
از آن مسلمین است و بزودترین فرصتی مسلمانان ستمکشیده
ما به آرزوهای پاک خود نائل و با پیروزی نهائی خود بساط -
تجاوزگران روزگار را از پهنای گیتی برخواهند چید
«و من الله التوفیق»

حب الوطن من الایمان

وطن مثال که اولاد زبده دربر توست — جوان و پیر تو همواره یار و یاور توست

خدا بر دم پاک تو غیرتی داد — که از شهامت نسلت بعرش بر سر توست

زمانه در عجب و روزگار در حیرت — ز تیغ غیرت خلق شهید پرور توست

بدوش مرد تو تنها سلاح جنگی نیست — دمی برادر و یکدم بدوش خواهر توست

اگر بلال حبشی نیست و خالد بن ولید — بلال و خالد عصر و زمان سنگر توست

مثال حمزه و مانند مالک اشتر — هزار سر بکف و جان فدا به لشکر توست

بهر کجا که ببینی ز شرق و غرب جهان — سخن ز ملت حق پرور و دلاور توست

کنون که روس تجاوزگر ستم گستر — به قتل و غارت و اشغال خاک کشور توست

ز روس شکوه نباشد که او مسلمان نیست — شکایت از دل بی درد هر برادر توست

کنون ز خود و بیگانه انتظاری نیست — امید خود بخدا کن که یار و داور توست

جوان و پیر تو سنگر نشین و جانباز است — تمام ملت تو عاشقانه عسکر توست

شجاعت تو و بی التفاتی احباب — بخط روشن زرّینه ثبت دفتر توست

زهی سعادت سنگر نشین سربازت — که با صلابت مردانه معسکر توست

تو ای همای وطن پر زن و بپرواز آی — که فرد فرد وطن همچو پر به پیکر توست

«شهید» گوی ترا روز نامرادی نیست
اسیر کیفر اعمال خود ستمگر توست

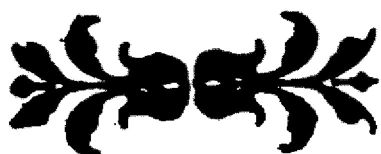
.... ((ما دشمن سرسخت کمونیست و فسادیم)) ....

ای هموطن از یاری میهن کشور خود را آن کشور با شوکت و دین پرور خود را
آغوش پر از عاطفه مادر خود را آنجا که کشیده همه بال و پر خود را

امروز وطن دستخوش دشمن دین است
فرسوده زیر قدم روس لعین است

برخیز که در خانه ما روس نشسته دروازه مسجد به رخ ما شده بسته
خواهند که تحویش شیرازه قرآن گسسته ملت همه از ظلم و تعدی شده خسته

برخیز که تکلیف تو امروز و زین است
مشتاق به دیدار تو فردوس برین است



می گردند و در قبال همه شدائد و بلیات با استرجاع به آستانه رحمت کبریایی
طلب آمرزش و نصرت از خداوند لایزال می نمایند بحمدالله که جهاد اعجاز آمیز
ملت مسلمان ما بر ارکان مستحکم استوار است که عمده ترین و ملاک آن را انابت
و رجوع به خدا تضمین می نماید ملتی که شهادت را پیروزی تلقی کرده شکست و زبونی
را در ساحه موفقیت آن مجال نبوده و می تواند که بعزم آهنین و اراده خلل ناپذیر
خود حکومت عدل الهی را در سرزمین اسلامی خود به نحو شایسته و دلخواه پیاده نماید
اگر مجاهدین سلحشور ما بشهادت میرسند و اگر سنگرنشینان ایثارمند ما مجروح میشوند
اگر دشمن را شکست میدهند و اگر احیاناً مغلوب و عقب نشینی می کنند و اگر
گرسنه اند اگر برهنه اگر سلاحی دارند یا تهی دست اند در همه احوال به چشم
انتظارشان بجانب رب العالمین دوخته و جز او از کسی یاری نمی خواهند و همه
این نشیب و فرازها و رد و بدل ایام را بر حکم و مصالح الهی محمول و سر تسلیم و انقیاد را
بر آستانه اراده لایزالی او فرو می نهند و از خدا آمرزش میخواهند و از او
نصرت و یاری می طلبند آری همانطوریکه در صدر اسلام وجود ذی جود

ما ترس ز طیّاره و سبّار نداریم　　پروای فرو ریختن گاز نداریم
جز نصرت حق یاور و انباز نداریم　　تنها بجهانیم و هم آواز نداریم

تا فرصت پیروزی ما جنگ چنین است
مرد و زن ما خرد و کلان جبهه نشین است

ما کودک آن دشمن بدگوهر زادیم　　ما دشمن سرسخت کمونیزم و فسادیم
هر چند که در پنجهٔ بیداد فتادیم　　در بند ستمگستر بی‌عاطفه دادیم

با روس نه تنها به همه کفر زمین است
ما را غم دیگر نبود غم دین است



بمناسبت قیام ۲۴ حوت مردم غیرتمند هرات باستانی

بنازم سرو بالای جوان شیر پیکر را
که حیدروار از جا می کند چو کاخ خیبر را

هرات باستان اولاد خود را داد قربانی
فدای دین و قرآن کرد اولاد دلاور را

بروز بیست چار حوت چون سیل خروشیدند
کشیدند از دل و جان نعرهٔ الله اکبر را

بضرب چوب و سنگ خویشتن از پا در آوردند
قشون بی خدا و تانگ های غول پیکر را

چنان دادند داد غیرت و ایثار و جانبازی
که در تاریخ گیتی سرخ رو کردند خاور را

بزور نعرهٔ تکبیر و ایمان خدادادی
بیرون کردند از میدان سپاکفر پرور را

چنان تازید بر دشمن جوانمردان سربکف
که اندر لرزه افگندند آن روس جناور را

فغان والامان بر شد ز اردوگاه الحادی
گرفتند از ستمگستر تفنگ و کرچ و خنجر را

لوای سبز اسلامی فراز آمد به لشکرگاه
به تحت قبضه بگرفتند وز لمیکوت و لشکر را

چو شاخ بید لرزان شد روان قصر شداد
برژنف یافت در کاخ کرملین دود و اخگر را

ازین جریان برژنف را چنان غم چیره بر دل شد
که از خون جگر هر دم ملوث ساخت بستر را

چنان او سر بزانو شد که تا هنگام جان کندن

نکرد از فضل حق بالا دگر در زندگی سر را

ازان تاریخ تا امروز این مرد آن غیرتمند

بروس بی خدادادند هر بادافره و کیفر را

نجیب بی خدا را گو که ای روباه مکاره

به مکر و حیله نتوان کرد صید خود غضنفر را

اگر ظلم و ستم کردی جزایش را همی بینی

ندیده کامیاب هرگز بدنیا کس ستمگر را

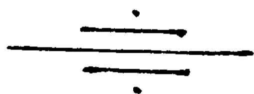
تو آن خادست بیدینی سراپا منکر از دینی

سخن از دین و از ایمان نشاید هیچ کافر را

فریب این سخن هایت خورد آنگونه انسانی

که او از اهل ایمان بشمرد نیمرود و آزر را

شناسندت مسلمانان که سرتاپا یکمو نستی
نه قائل با خدا باشی نه بشناسی پیغمبر را



«شهید» و غازی ما را پیامی نیست زین برتر
که تا هنگام پیروزی نگوئید ترک سنگر را







...((سرود انقلابی))...

مگو افغانستان به جهاد و پیکار نیست   مگو که رزمندگان دگر بیدار نیست

مگو که مردم همه به حق طرفدار نیست   مگو از این نکته ها – که جای انکار نیست

همه لشکر مقیم همه حماسه آفرین

همه به پیکار رزم همه به سودای دین

مگر خبر نیستی ز جنگ و پیکار ما   قیام تا سر ز خلق بیدار ما

جهان به حیرت همه ز اقتدار ما   ز عشق و اخلاص ما – ز عزم و ایثار ما

کسی به افغانستان ز غفلت به خواب نیست

بدون شک که بجنگ به هیچ کس تاب نیست



بشهر خون قیامت هزار گلگون نگر — ز خون پیر و جوان خروش جیحون نگر

بجای آب روان بهر طرف خون نگر — جهاد مرد و زن را بروز افزون نگر

ز دین و آئین خود دفاع بجان میکند

وفا بمیثاق خود بهر زمان میکند

ببین چه خون می چکد از دم شمشیر ما — چون جگر بی خدا پاره کند تیر ما

حیرت عالم شده غیرت و تدبیر ما — غازی ز خون گذر آمده تفسیر ما

اگر کشیم غازی ایم و گر بکشتند «شهید»

بود بما هر یکی مایهٔ فخر و امید



«بمناسبت قیام اعجاز آمیز ۲۴ حوت مردم سلحشور»

هرات

امروز که روز خوش و هنگام قیام است

خون است و شعار است و هجوم است و پیام است

از فرط تحیر شده گردون به تزلزل

لرزنده ازین شور و فغان عرش عظام است

امروز بجوش آمده دریای تحمّل

وز بادهٔ اخلاص بدست همه جام است

سر بر فلک افراشته در هر قدمی چند

سبزینه درفش است که با ناز و خرام است

حضرت پیمبر اکرم (ص) و اصحاب عالیقدرش چهره های مرموز و ناشناخته شده

در زیر نقاب اسلام با فعالیت های تخریبی و نفاق افگنی در جهاد مقدس

مسلمین سنگ اندازی و تخریب داشتند و متعاقباً چهره های شان

بوسیلهٔ وحی و الهام خداوندی افشا، و مشت شان در محضر عموم باز

و کارشان بفضیحت و رسوائی می کشید - بعد از هزار و چهار صد سال

وجود همچو عناصر خود فروخته و مادی پرست در صفوف جهاد مسلمین

و سنگرهای سحر آفرین کار تعجب آور و قابل انکار نبود و بحمد الله که از برکت

جهاد اعجاز مجاهدین چهره های این شکم پرستان دین فروش یکی بعد

دیگری افشا، و صفوف مجاهدین مسلمان ما مراحل تصفیه و تزکیه

خود را موفقانه پیموده و چنین کورهٔ حداد غل و غش و خبث و پلید را

بیرون می اندازند و از این ناحیه دامن پاک جهاد ما لکه دار نگشته

و بیاری خدا نخواهد گشت بلکه این رویدادها در حقیقت اعجاز و قدسیت

جهاد و حقانیت و خلوصیت مجاهدین مخلص ما را تثبیت و برجستگی

عشق است که بر سینهٔ هر فرد زند موج

موج است که گوئی همه سرچشمهٔ خیام است

از نعرهٔ تکبیر همی شد زمین لرزان

از شور همی دل افلاک به کام است

برخواسته از جنبش مردان سلحشور

شوریکه نمایانگر اخلاص تمام است

رنگین شد امروز زمین یکسر از خون

تا عرش برین غلغله و شور انام است

سرو است که از پای در افتاده بهر سو

غنچه است که پرپر شد در کوچه و بام است

امروز خط کفر و مسلمان شده روشن

در شهر و دیار که و را شهرت و نام است

امروز کمر بسته زن و مرد مسلمان

امروز قیام همه بر ضد ظلام است

غوغای احد از صف این صحنه پدیدار

گوئی صف پیغمبر و اصحاب کرام است

امروز شده شهر هری صحنهٔ خونبار

نابودی دشمن همه را عزم و مرام است

این جنبش بی‌تابسری در همه ادوار

روشن گر اسلامیت خاص و عوام است

زان حرکت آزادگر کفرستیز از
تا حال بدانگونه جهاد و قیام نیست

برخیز جوانا که درین برههٔ حساس
آرام نشستن تو یک لحظه حرام است

امروز وطن چشم به بازوی تو دارد
شمشیر درخشان تو تا کی به نیام است

آنسان که زروی ضربهٔ مرد آید دشمن
سنگر ز تو خواهشگر آن ضربه مدام است

دانی که سر فخر تو با عرش رسیده
دانی که به دنیای بشر از تو کلام است

بالیده ز بازوی توانای تو پیکار
ز ارواح شهیدان به تو هر لحظه سلام است

«سرود ۲۴ حوت»

بیست چار حوت آمد شادمانی سر کنید   از قیام مرز و بوم باستانی سر کنید

زانهمه ایثار و صدق و جانفشانی سر کنید   زان جوانمردی و عزم و قهرمانی سر کنید

بیست چار حوت آمد شادمانی سر کنید
از قیام مرز و بوم باستانی سر کنید

آن هرات کو بود مشهور در هر علم و فن   ریخت از شهر و دیارش پیر و برنا مرد و زن

شد میان کافر و اسلام جنگ تن به تن   بهر حفظ دین و قرآن بهر ناموس وطن

بیست چار حوت آمد شادمانی سر کنید
از قیام مرز و بوم باستانی سر کنید

شد شهید راه حق آنروز در بیست پنجهزار شد بخاک تیره یکسان پیکر صد گلعذار

تربت سبز شهیدان شد بپا در هر مزار در بهشت جنت در وقوع آن خونبهاشان انتظار

بیست چار رحمت آمد شادمانی سر کشید
از قیام مرز و بوم باستانی سر کشید

بر تو ای قوم سلحشور مظفر آفرین بر تو ای جان بر کف بگذشته از سر آفرین

بر تو ای سنگر نشین رزم پیروز آفرین بر تو ای فرزند دانا تا بمحشر آفرین

بیست چار رحمت آمد شادمانی سر کشید
از قیام مرز و بوم باستانی سر کشید



«۲۴ حوت هرات»



هرات ای مسقط الرأس دلیران

هرات ای خوابگاه شیرزه شیران

به اولاد تو زیبد قهرمانی

ترا شایسته تبریک جهانی

قیام مبتکار حوت خلقت

ز آب زندگی ترساخت خلقت

ترا نوشاند آب زندگانی

به بخشودت حیات جاودانی

ز رزم برزاد مردان دلیرت

ز عزم پاک هر برنا و پیرت



ز علو همت فرزانه خواهر

ز فرزندان جانباز و دلاور

شده امروز دنیا در تحیّر

ندیده کس با خلاصت تغیّر

ز روز بیست چار حوت تا حال

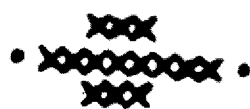
جوانان بسنگر فارغ البال

به پیکار جوانمردانهٔ خویش

به بازوی قوی و شانهٔ خویش

به نیرومندی الله اکبر

به لطف و نصرت خلاق داور



چنان گشتند بر دشمن ظفریاب
که دشمن را نمانده طاقت و تاب

بخاک تیره مالیدند پورش
چو شب کردند تار و تیره روزش

نه او را قدرتی واپس خزیدن
نه تاب یکنفس راحت کشیدن

بنازم دست و بازوی دلیرت
شجاعت مندی اولاد شیرت



که با دست تهی سحر آفرین گشت

بمردی شهره در روی زمین گشت

به ایثار و صداقت امتحان داد

ثبات و پایداری را نشان داد

بدنیا غیرت خود را عیان کرد

جهان را آزمود و امتحان کرد

مسیر خویشتن را ساخت روشن

بزور حربه و شمشیر و جوشن

خود و بیگانه را از هم جدا کرد

وجوب ذمت خود را ادا کرد



جهان با یک جهان امیدواری

نوشت این ماجرا را یادگاری

درود از ما به هر سحر آفرینت

«شهید» و غازی سنگرنشینت



بیشتر از پیش صفوف مسلمین می افزاید امروز کافهٔ ملل جهان

بر تهی دستی و مظلومیت ملت مسلمان ما و نیرومندی و ظالمیت ابر

جبابره روس آگاهی لازم داشته در عین حال مقاومت دلیرانه و پیکار

جوانمردانهٔ این ملت را جز عقیده و ایمان بر چیزی دیگری تلقی کرده

نمیتوانند پیکار هشت ساله ملت تهی دست افغانستان در مقابل نیرومند

ترین قدرت جهانی کار عادی و سرسری نیست همین سلاح عقیده

و ایمان است که بر مدرن ترین سلاح دنیا لبخند میزند و نیروی

همه را نقش برآب می کند . این همان سلاحی است که از هیبتش

بت های تراشیده بت پرستان از بتخانه ها درهم فروریخت و شعلهٔ

آتش آسمان خراش زردشتیان به یک قلم خاموش گردید همین سلاح

بود که از ضربت او ایوان کسری چنان لرزید که بعد از هزار و چهار صد سال

آثار ضربت و شکست فاحش او در کنگره سر بر فلک کشیده اش



ندای کودک دانش آموز افغان بمناسبت ۲۴ حوت هرات

خداوندا درین روزیکه تاریخ
گواه غیرت مردان ما است

درین روزیکه از ظلم ستمگار
قیام مردم افغانستان است

درین روزیکه مردان هری را
ندای مرحبا از آسمان است

درین روزیکه از چشم یتیمان
بجای آب خالص خون روان بود

درین روزیکه در هر جاده راهی
بخون غلطیده صد نوجوان بود

درین روزیکه صدها بار زار زار
بداغ نوجوانان در فغان بود

تو میدانی که ازاندم تا اکنون
بر این بیچارگان بمباردمان است

تو میدانی که اینک ملیونها مسلمان
بهر سو در پی هجرت کنان است

تو میدانی که اینک در هر کنج محبس
چه حالی بر سر زندانیان است

خداوندا به آن اشک یتیمی — که مادر را به پیشش سر بریدند

بآن فریاد طفلان جگرسوز — که بی مادر بهر جا بی دویدند

بآن سنگر نشینان دلاور — که از غیرت حماسه آفریدند

ز لطفت وحدت و پیوستگی ده — بدلها مهر و الفت را فزون کن

لوای دین پاکت را برافراز — بهر جا دشمن دین را زبون کن

بکاخ بیخدایان لرزه انداز — کرملین را به یکدم سرنگون کن

من از آن جوجه شیرانم که تا جان — بتن دارم ز کشتن برنگردم

که تا یک شوروی باشد بعالم — بدور از صحنه سنگر نگردم

نه سازش می پذیریم نه مدارا — بروس و امریکا چالش بگویم

محال است ماندنم بستر سنگ و خار است — ز بستر مردنم بس ننگ و عار است

انیس من تفنگ و یار فشنگ — همیشه بدرت کردگار است



«شهید» زنده‌ام تا روز محشر
شهادت از برایم افتخار است





...((سرود ۲۴ حوت))...

پسر هرات دانا بتو این قبا مبارک   بتو آفرین و تحسین بتو مرحبا مبارک

شده غزو اعتلایت بتمام خلق روشن   بتو افتخار و تبریک بتو اعتلا مبارک

پسر هرات دانا بتو این قبا مبارک
بتو آفرین و تحسین بتو مرحبا مبارک

چه خوش است یادبودی ز قیام حوت خونین   ز هرات باستان و سران قهرمانش

ز شجاعت و دلیری ز ثبات و پایداری   که ز خود نموده ظاهر همه نسل کاردانش

پسر هرات دانا به تو این قبا مبارک
بتو آفرین و تحسین بتو مرحبا مبارک

مراد از قبا، قبای عزت و افتخار است نه قبای دیگر تا اشتباهی عاید نگردد

تو همان دلیر مردی که بسنگ و چوب و چاقو سر روس بی‌خدا را ز بدن جدا نمودی

بطریق مردی به شجاعت و صداقت تو حقوق دین و خاکت همه را ادا نمودی

پسر هرات دانا بتو این قبا مبارک

بتو آفرین و تحسین بتو مرحبا مبارک

بتو لایق است و شایان بتو در خور است و زیبا عنوانِ قهرمانی و مقام سرفرازی

بتو مسلمین دنیا همه افتخار دارند بتو مژده میفرستند همگی «شهید و غازی»

پسر هرات دانا بتو این قبا مبارک

بتو آفرین و تحسین بتو مرحبا مبارک



... ((دعا و نیایش)) ...



الٰهی با شک یتیمی که جز تو / دیگر بر سرش سایبانی ندارد

بآن مادری که جز داغ فرزند / دیگر قصّه و داستانی ندارد



به آه ضعیفی ز پا در فتاده / که در هیچ جا خانمانی ندارد

به فریاد مجروح آغشته در خون / که مرهم گرو پاسمانی ندارد



بخونابه چشم آن پیرمردی / که خم گشته پشت و توانی ندارد

به فریاد آن ملّتی خفته در خون / که غیر از تو کس پشتیبانی ندارد



به آنانی که در زیر بمباران‌ها   مسلمانان به جان استخوانی ندارد
به آه غریبی که از بینوایی   به روز و شبان لقمهٔ نانی ندارد



به فریاد آن بی‌دفاع ستمکش   که یک لحظه امن و امانی ندارد
به سنگرنشینی که میدان سنگر   بمثل اش دیگر قهرمانی ندارد



به آن نوجوانان در خون طپیده   که گیتی چو او نوجوانی ندارد
به زندانی کز شکنج ستمگر   بجز اشک و داد و فغانی ندارد



بخون شهیدان گلگون قبائی
که در راه عشق تو جانی ندارد

الٰهی اگر نیک کردیم اگر بد
بپذیر عذر ما را که پوزش پذیری



تو ما را ز کتم عدم آفریدی
بکردار نیک و بد با خبیری

توانی که ما را ز رحمت ببخشی
توانی که ما را به عصیان بگیری



به تقصیر ما منگر ای رب دانا
که دانا ء اسرار ما فی الضمیری

بگیر از ره رحمت دست ما را
که از پا فتادیم و تو دستگیری



ازین رنج و هر دم «شهیدی» نجاتی
که پروردگار قدیر و نصیری



بوضاحت مشاهده می شود همین سلاح بود که قیصر روم با
همه دبدبه و حشمتش آستان بوس اسلام آمده و هرقل سلطان
عظیم روم جز راه فرار چاره برقرار خود سراغ کرده نتوانست
به نیروی همین سلاح پرچم اسلام بر بامهای شرق و غرب جهان
به اهتزاز در آمده و گلبانگ الله اکبر مجاهدین یکتا پرست بر فراز
بام دنیا همه پیروان ادیان باطله را بسرنگونی و زبونی مواجه
ساخت همین سلاح بود که در غزوهٔ احزاب تمام احزاب غیر اسلامی را
که برامحای دین اسلام کمربسته بودند همه را به یک نعرهٔ تکبیر
منهزم و ایشان را بمرور ایام از صفحهٔ روزگار برانداخت این
سلاح سلاحی نیست که نه مال شرق و نه مال غرب بوده بلکه
سلاحی است از آن مسلمین که بمرور ایام کاخ استکبار جهانی
را ویران و اسلام عزیز را در همهٔ مناطق و قلمرو گیتی سربلند و
باشکوه ساختنی است .



بسمه تعالی

اعتراف روس به جنایتکاری و اظهار عجز و ناتوانی

روس میگوید که من در کشور افغانستان — در دیار مرد خیز و حق پرست باستان

کشور همسایه‌ئی کز وی ندیدم سالها — غیر حسن همجواری آشکارا و نهان

بی سبب یکبارگی بردم در آن کشور هجوم — دوختم چشم طمع بر گنجینه و فاشش عیان

ریختم در سرزمینش ناگهان دیوانه وار — با چنان وضعی که هرگز کس نمی برد این گمان

دست یازیدم بقتل و غارت و یغماگری — سخت چون زالو مکیدم خون آن بیچارگان

تا توانستم بزندانها فگندم بی گناه — با شکنجه خانه کشتم عده‌ٔ روز و شبان

پاره کردم با مسلسل سینهٔ هر مو سفید — ریزه بنمودم به خنجر پیکر هر نوجوان

پاره با سرنیزه کردم پیکر صد طفل زار — پیش مادر سر بریدم هزاران از کودکان

منبر ارشاد را افزار بازی ساختم — مسجد و محراب را رقاصه گاه بانوان

در کتاب اسلامی آتش یغما زدم — درسگاه علم دین را ساختم جای خران

حلقه‌ٔ ی درس دین را کندم از بنیاد و بیخ — مذهب و قرآن و دین را سخت بردم از میان

جاگزین کردم بجای درس قرآن موسیقی — بی خدا را ساختم با درس قرآن پاسبان

مردم مظلوم را آواره کردم از وطن — دور کردم هر کسی را از دیار و خانمان

کردم از خون مسلمان دست و پای خویش رنگ — ساختم در هر کنار و گوشه جوی خون روان

سر بریدیم عالم درودهای و ملا و شیخ
از هوا شیمیائی ریختیم در مرز و بوم
بیت ملت را بخاک و خون کشیدیم روز و شب
روزگار این غربیان تیره شد مانند شب
ناگهان این شیرمردان قد علم کردند شکست
نعرهٔ تکبیرشان افکنده ما را سرنگون
ضربه‌ها بر پیکر ما کرده وارد پی به پی
ما ندانستیم ز اول کاین کشوران دعو
بیست و چار ساعت یکدم ریخت بر ما همچو سیل
کشته شد سربازان ما را با فشار سنگ و چوب
از هجوم این تهی دستان در آن هنگامه رفت
ناگزیر آمد همه تسلیم مردان دلیر
پاسگان فرقه با الله اکبر فتح شد
شد مسلح هر یکی از پاسگان بی سلاح
واقعاً کاین شیرمردان همدم با عزتند
مدت یکسال این جان برکفان در سنگرند -

غارت و ظلم و ستم کردیم بمقدار توان
شاختیم هر خانمان و قریه را بمباردمان
فیر کردیم بر سرشان از زمین و آسمان
در میان خون و آتش سوخت صدها دودمان
بر سر ما حمله ور گشتند با سیف و سنان
ضرب شمشیرشان انداخت ما را در زیان
حمله‌ها بر لشکر ما کرده پیدا و نهان
هر یکی در صحن پیکار است چون شیر ژیان
آنچنان سیلی که بیرون است از شرح و بیان
تا که بر شد از قشون سرخ ولو الامان
ناله و فریاد مزدوران ما تا کهکشان
ریخت خیل مسلمین از هر طرف در پاسگان
نعرهٔ تکبیر بر شد تا بهفتم آسمان
بعد از آن هر یک لشکری سنگر حق شد روان
ملت با عزت و با همت و تدبیر و شان
دلهما با ایثار و مردی نزد دنیا رهتمان

ملت با شوکت اند و ملت با عزت ایم — هر یکی در رزم و پیکار است ایل قهرمان

ما ز دست این سلحشوران به بینی آمدیم — بیش ازین ما را نمانده طاقت و تاب و توان

هر قدر آورده نیرو هر قدر کردیم جنگ — عاقبت این کار آمد آشنا با استخوان

لرزش ما را ازین پس قدرت پیکار نیست — چاره درد کار ما کن ای نجیب کاردان

زان سبب آمد نجیب بی کفایت چاره جو — بسته بهر چارهٔ این ماجرا محکم میان

در میان افگنده با نیرنگ طرح آشتی — کای مسلمانان دور از کشور افغانستان

ما مسلمانیم و طرح آشتی سر داده ایم — هر که آید جانب ما هست دائم در امان

خاک تان را دیده دار و مردم تان منتظر — سوی ملک و کشور خود باز گردید شادمان

حزب دیموکرات ما با مسلمین سازش گرفت — هر که آید سوی ما داریم از وی امتنان

باز گردید ای مسلمانان به خویش و وطن — میدهد روسی شما را منزل و پوشاک و نان

حالیا بنگر که مردم در جواب این دغل — با چه استدلال و منطق جمله گفتند یک زبان

ای نجیب بی کفایت ای کمونست لعین — ای که معروفی بجاسوسی با کناف جهان

از خدا بیگانه و با شرع انور کینه توز — می گذاری پیش ما این سرگذشت و داستان

عضو فعال کی جی بی ظالم کافر سرشت — خلق حق ناشناس و ملحد خصم دینداران

آستان بوس کرملین مانند سگ بر جیف — کافری کیش و آیین فرد بی نام و نشان

آخر ای بی عقل نادان از تو می پرسیم که تو — کیستی کاعلان صلح و آشتی کردی بیان

تو سر قرص بیاوی یا مگر گون پیاز
می شناسد عالم، یا تو را حق ناشناس
دعوی ایمان تو را اف نه ، عالم نمود
• میزنی هر لحظه ما را چون الاغ بارکش
بیشه شیران نباشد جای دیو و دغل
دام تزویرت بجای دیگری گسترده شاه
ما بدستور تو گر هجرت نمودیم از وطن
حالیا ما را بسوی خاک ما دعوت نما
ما ز بهر دین و آئین قصد هجرت کرده ایم
بهر دین خویشتن ما راهی سنگر شدیم
تا نگردد دین حق در کشور ما جاگزین
تا نسازیم ریشه الحاد را قطع از وطن
تا نگردد میهن ما همچو سابق مستقل
تا نگردد کار ها بر محور دین استوار
تا نگیریم انتقام خون یک ملیون شهید

کاینقدر گوئی بما از صلح و سازش داستان
کی مسلمان گشته ای اینگونه منفعت ورداگیان
شد کمونستان دنیا با تو یکسر بدگمان
گاه گوئی اینچنین و گاه گوئی آنچنان
ای دغل باز مزور زود تر رو از میان
چون حمیری که عنقا را بلند است آشیان
یا بتدبیر تو کردیم ترک خان و مانمان
ورنه تاکی میکنی بازی بمثل کودکان
بهر رضای خالق و پروردگار انس و جان
ما بدستور خدا بگذشته ایم از مال و جان
تا نگردد حکم قرآن بر سر ما سایبان
تا نگردد کشور از چنگال ظالم در امان
تا نگردد نوبهار فتنه در کشور خزان
تا نگردد روس کافر خارج از افغانستان
ننشینیم از سنگر و پیکار بر حق سر گران

ای نکبت بی خرد لشکست این همه ملت — بر کمال و دولتت لب خند دارد طفلکان

گر تو فکر صلح داری روس در خانه چیست — هست این کار تو تکثیر مثل کار احمقان

کی خورد بازی بحالت مردم آگاه ما — هست این کار تو شر تا حشر بجز لعنت و زیان

روس کافر را بگو کی ظالم بی دین لوگر — ساختی مارا بهر سو بی نهایت لاله دان

بی سر و سامانه کردی کشور آزاده — ایمن از بیدلو ظلمت نیست یک پیر و جوان

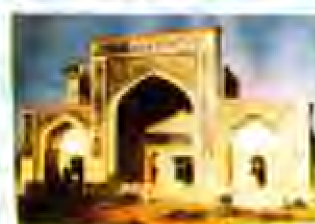
کشور آباد ما را ساختی یک توده خاک — عده را بیجا سر کردی عده را بی خانمان

باز میگوئی که عامل گر شما زی حمله — دور سازی از کنار سنگر آتش فشان

با تو می گوییم تا نیم رمق در پیکر است — از شهید و غازی آمد این شعار شاهگان



مزار محدث عالی مقام خواجه ابوالولید رح در هرات که توسط بمباردمان تجاوزگران روسی ویران شده است.



ایوان، آرامگاه علامه امام فخرالدین رازی رح که قسمتی از آن توسط بمباردمان روس ها ویران شده است.



قلعه اختیارالدین (ارگ قدیمی) شهر باستانی هرات



گنبد تاریخی گوهرشاد بیگم در مصلای هرات که بر اثر بمباردمان وحشیانه روس ها تخریب گردیده است.



مسجد جامع قریه حوض کربلس لعلاذ بمباردمان وحشیانه روس های سفاک.

ناشر: بخش فرهنگی حوزه جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان. پشاور

گرامی باد خاطرهٔ «۲۵» هزار شهید

۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات قهرمان

پس ای نجیب بی نجابت وای خر دباخته،

گمراه ترا در ساحهٔ شجاعت وشهامت این ابرمردان روزگار

مجال ترفنده ونیرنگ نبوده به تُست تا از ماجرا ننگین وصحنه های

شرم آور ترکی واین وببرک لعین پند و عبرت گرفته والا

عنقریب سرنوشت شوم خودرا مانند آن سه لعین درخواهی

یافت و بدرک اسفل خواهی شتافت زیرا قیام این مردم خدا

پرست قیام خدائی بوده وهیچ نیرنگ وفسون وزر و زور و

تذویری برحریم مقدس این قیام خدائی اثر بخش شده نمی تواند

چنانچه قیام سعادت ساز ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم سلحشور هرات

وجنبش های پیاپی سائر ولایات واستان های افغانستان

موئد ومثبت همهٔ مطالب فوق بوده ونمودار احساساتیست

که بر مبناء عقیده وایمان راسخ استوار بوده و همانا آن نهضت

ایمانی وقیام خدائی والا تر از ان است که مراسم وبزرگداشت

های ما معرف واقعی آن شده بتواند و این جنبشی است که نه

تنها مسلمانان ستمدیده ازان استقبال و یاد آوری میکنیم

بلکه امروز حلقه های ملکوتی و فرشته گان افلاک بافتخار و یاد

بود از مقام شامخ و ایثار مندی های عاشقانه، امت

حق پرست خاتم الانبیاء، این زمزمه را سر خواهند داشت

و مراسمی بیاد بود آن قیام حیرت زا، در ملأ اعلی برگذار خواهند

نمود.

ما در حالیکه این افتخار شایان را بهمه مسلمانان به خصوص بر مردم حق

پرست و شجاعتمند هرات تبریک میگوئیم بر روان همه

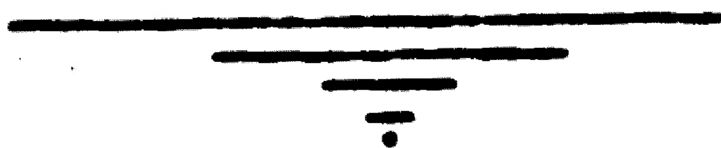
شهدا راه حق بویژه قربانیان ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرتر باستانی

درود میفرستیم.

پیروز باد اسلام، مظفر و منصور باد کافه

رزمندگان جان برکف اسلام در سنگرهای

حق علیه باطل .



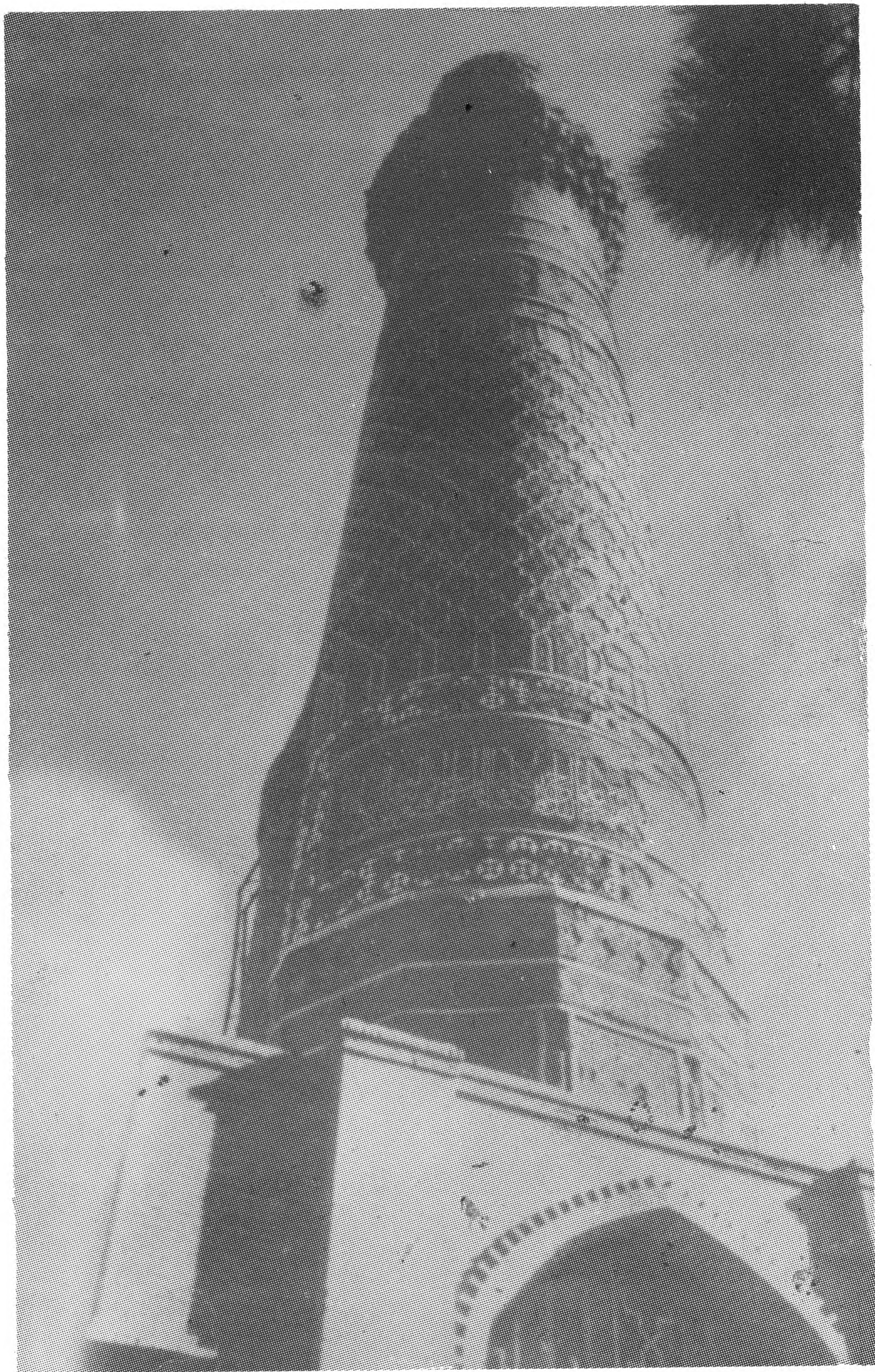


بیست و چار حوت حساب ما بود ٭ راز جلال اعتصاب ما بود
این بود روزی که در ایّام دهر ٭ یادگار انقلاب ما بود

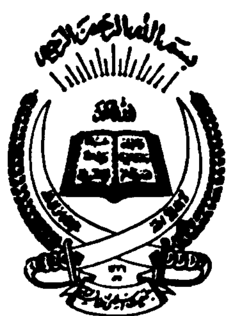
بمناسبت قیام توفندهٔ
۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات

اثر مولوی سید محمّد عمر "شهید"

تاریخ چاپ ۲۴ حوت ۱۳۶۵



منار مدرسه فخرالمدارس هرات قبل از ویرانی امادرین اواخر توسط بمباردمان های روسهای سفاک تخریب گردیده که درپشتی اول کتاب مشاهده میکنید.



بیست و چار حوت حساب ما بجو ❊ راز حال اعتصاب ما بجو
این همه روزی که در ایام دهر ❊ یادگار انقلاب ما بجو

بمناسبت قیام توفنده
۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات

اثر مولوی سید محمد عمر «شهید»

تاریخ چاپ ۲۴ حوت ۱۳۶۵